www.aminnews.ir
aminnewspaper1376
روزنامه سراسری و کثیرالانتشار صبح ایران
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
aminnewsagency
amine.mardom@yahoo.com



به تعهداتی که داده شده عمل شود

PDF Compressor Free Version

امین

یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۵/ ۲۸ ذی الحجه ۱۴۴۷ هـ. ق / 14 June 2026 / شماره ۷۲۴۷ / سال بیست و نهم



توافق جام زهر نیست!

یادداشت

سرنوشت چهار خلبان قهرمان و نمک بر زخم ایرانیان

نسیبه پیرایش

اخیرا امیر دریادار حبیب‌الله سیاری، رییس ستاد ارتش در مصاحبه با محمدرضا شهیدی‌فرد در برنامه من ایرانم، گفته که پس از حمله نیروی هوایی ارتش – در دهم اسفند ۱۴۰۴– به پایگاه آمریکا در قطر هنوز از سرنوشت خلبانان سوخو ۲۴ آگاهی نداریم. او تاکید می‌کند که «این را می‌گویم چون هنوز از سرنوشت آنها اطلاعی نداریم. چهار دلیرمرد رفتند و حماسه آفریدند.»

به همین سادگی هیچ اطلاعی نداریم و تمام؟ مگر می‌شود این میزان از بی خیالی؟ دریادار می‌گوید: «این‌ها خلبانان دو فروند بمب افکن سوخو ۲۴ فنسر ارتش بودند و از پایگاه هوایی شیراز و در ارتفاع پایین برای بمباران پایگاه العدید به پرواز درآمدند و در ۳۰ کیلومتری هدف، توسط جنگنده‌های اف ۱۵ قطری رهگیری شدند. مشخص نیست این خلبانان موفق به ایجکت شده‌اند یا به شهادت رسیدند.»

هنوز یادمان نرفته است که امریکا برای نجات جان خلبانانش چه تقلایی می‌کرد. ارتش ایالات متحده پس از سرنگونی یک فروند جنگنده در آسمان ایران عملیات گسترده‌ای برای جستجو و نجات خلبان‌های این جنگنده انجام داد و در این راه متحمل تلفات و خسارات زیادی شد. خساراتی که کلش ریپورت آنها را این گونه برشمرد:

انهدام یک جنگنده F-15E Strike Eagle، آسیب به دو فروند بالگرد HH-60 helicopters، انهدام یک بالگرد بوئینگ MH-6 Little Bird، انهدام یک فروند هواپیمای A-10 Thunderbolt II، انهدام دو فروند هواپیمای ترابری C-130 Hercules، انهدام دو پهپاد MQ-9 Reapers. اما در نهایت ارتش امریکا اعلام کرد که خلبانان را نجات داده است.

تازه همین چند روز پیش بود که امریکا به تلافی حمله به بالگرد متجاوزش، حملات سنگینی علیه زیرساخت‌های چند شهر جنوبی کشورمان انجام داد و در نهایت اعلام کرد که چون خلبانانش زنده بودند و نجات یافته‌اند، حملاتش را ادامه نمی‌دهد.

این در حالی است که فرماندهان ما در ایران به راحتی اعلام می‌کنند که هیچ اطلاعی از سرنوشت خلبانانمان ندارند. نمی‌دانند فرزندان قهرمان وطن، شهید شده‌اند یا اسیر هستند. فقط می‌دانند که نیستند. این یعنی هیچ تلاشی برای پیدا کردن آنها انجام نشده است. شگفت آنکه تازه پس از چند ماه، خبر آن را اعلام می‌کنند که نه تنها دردی را دوا نمی‌کند بلکه بر زخم‌ها نمک می‌پاشد.

اکنون در کنار ابراز همدردی عمیق با خانواده‌های این چهار قهرمان، پرسش اساسی این است که چرا هیچ تلاشی برای یافتن خلبانان انجام نشده است؟ و مهم‌تر اینکه چرا تا به امروز در این مورد اطلاع‌رسانی صورت نگرفته است؟ این سکوت طولانی و عدم اطلاع‌رسانی شفاف، در حالی که جان فرزندان این ملت در میان است نه تنها دل خانواده‌های چشم انتظار را خونین‌تر می‌کند بلکه موجب خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی و زیر سوال رفتن صداقت و کارآمدی نهادهای مسئول در جمهوری اسلامی ایران می‌شود.



تفاهم‌نامه ایران و آمریکا در ایستگاه پایانی

قحطی در عصر وفور

چگونه تورم امنیت غذایی ایرانیان را تهدید می کند؟



دولت و برخی مسئولان دائما از وفور کالا در بازار و ثبات نسبی تأمین اقلام اساسی سخن می‌گویند، اما واقعیت زندگی روزمره بسیاری از خانوارها چیز دیگری است. افزایش مداوم قیمت مواد غذایی و کاهش قدرت خرید باعث شده که کالاهای اساسی فقط در فروشگاه‌ها به وفور باشد و به خانه مردم نرسد.قفسه‌های فروشگاه‌ها پر است، اما این تصویر لزوماً به معنای آرامش معیشتی خانوارها نیست. طی ماه‌های اخیر یکی از اصلی‌ترین محورهای دفاع دولت از عملکرد اقتصادی خود، تأکید بر تأمین کالاهای اساسی و جلوگیری از کمبود در بازار بوده است. مسئولان بارها اعلام کرده‌اند که در حوزه امنیت غذایی و تأمین کالا مشکلی وجود ندارد و بازار با کمبود مواجه نیست. اما پرسش مهم اینجاست که آیا صرف موجود بودن کالا برای تأمین معیشت مردم کافی است؟

آنچه امروز در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود، با تصویر کلاسیک قحطی تفاوت دارد. فروشگاه‌ها مملو از کالا هستند و خبری از کمبود گسترده اقلام اساسی نیست، اما بخشی از جامعه به دلیل افت شدید قدرت خرید عملاً از دسترسی به همین کالاهای موجود محروم شده است؛ وضعیتی که می‌توان آن را عنوان «قحطی در عصر وفور» نامید.

واقعیت این است که مسئله امروز بسیاری از خانوارهای ایرانی نه دسترسی فیزیکی به کالا، بلکه توانایی خرید آن است. در شرایطی که قیمت اقلام خوراکی با سرعتی بیشتر از درآمدها افزایش یافته، فاصله میان «وفور کالا» و «امکان خرید کالا» هر روز بیشتر شده است.

در هفته‌های اخیر نیز اظهارات برخی نمایندگان مجلس نشان داد که حتی در میان مسئولان نیز نگرانی نسبت به افت قدرت خرید خانوارها رو به افزایش است. انتقادها از افزایش قیمت گوشت، لبنیات و سایر کالاهای اساسی در حالی مطرح می‌شود که بازارها نسبت به سال‌های گذشته با کاهش تقاضا و افت خرید بسیاری از خانوارها مواجه شده‌اند.

دولت و برخی مسئولان اقتصادی معمولاً وفور کالا را نشانه‌ای از موفقیت سیاست‌های خود می‌دانند. از نگاه آنان، جلوگیری از کمبود کالا و حفظ جریان عرضه، نشانه ثبات اقتصادی و امنیت غذایی است.

اما اقتصاددانان تأکید می‌کنند که امنیت غذایی تنها به معنای وجود کالا در فروشگاه‌ها نیست. زمانی می‌توان از امنیت غذایی سخن گفت که خانوارها توان خرید اقلام ضروری را نیز داشته باشند. در غیر این صورت، پر بودن قفسه‌ها الزاماً به معنای پر بودن سفره مردم نیست.

همین مسئله باعث شده طی سال‌های اخیر شاخص‌های رفاهی خانوارها به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران تبدیل شود. گزارش‌های رسمی نیز نشان می‌دهد سهم خوراکی‌ها از هزینه خانوار افزایش یافته و بسیاری از خانوارها ناچار به حذف یا کاهش مصرف برخی کالاهای ضروری شده‌اند.

کارشناسان اقتصادی معتقدند ریشه اصلی مشکلات معیشتی در تورم مزمن و کاهش مستمر ارزش پول ملی قرار دارد. تا زمانی که موتورهای تولید تورم شامل کسری بودجه، رشد نقدینگی و بی‌ثباتی‌های اقتصادی مهار نشود، هرگونه حمایت نقدی یا کالایی تنها بخشی از فشار معیشتی را کاهش خواهد داد.

در چنین فضایی، کالابرگ می‌تواند نقش یک سپر حمایتی موقت را ایفا کند، اما نمی‌تواند جایگزین اصلاحات اقتصادی باشد. از همین رو اقتصاددانان بر این باورند که موفقیت این طرح نه تنها به افزایش دوره‌ای مبلغ آن، بلکه به کنترل تورم نیز وابسته است.

دولت طی ماه‌های گذشته بارها از تقویت طرح کالابرگ و افزایش حمایت‌های معیشتی سخن گفته است، اما هنوز زمان و نحوه اجرای این وعده‌ها به طور دقیق مشخص نیست. این در حالی است که با ادامه روند افزایش قیمت‌ها، ارزش واقعی حمایت‌های فعلی هر ماه کمتر از گذشته می‌شود.

اکنون پرسش اصلی این است که آیا دولت حاضر خواهد شد مبلغ کالابرگ را متناسب با واقعیت‌های تورمی افزایش دهد یا آنکه این طرح نیز مانند بسیاری از سیاست‌های حمایتی گذشته، به تدریج اثرگذاری خود را از دست خواهد داد؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند نقش مهمی در تعیین وضعیت معیشتی میلیون‌ها خانوار ایرانی در ماه‌های آینده داشته باشد. در چنین شرایطی، طرح کالابرگ الکترونیکی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت تبدیل شده است. با این حال کارشناسان معتقدند اثربخشی این طرح به میزان حمایت واقعی آن بستگی دارد و در صورت ثابت ماندن مبلغ کالابرگ، تورم به تدریج ارزش این حمایت را از بین می‌برد.

مرتضی افقه، اقتصاددان، تأکید می‌کند که اصل پرداخت کالابرگ می‌تواند به حفظ حداقل امنیت غذایی اقشار ضعیف کمک کند، اما این سیاست زمانی موفق خواهد بود که متناسب با نرخ تورم به‌روزرسانی شود.

به گفته افقه، اگر مبلغ کالابرگ برای مدت طولانی ثابت بماند، قدرت خرید آن به سرعت کاهش می‌یابد و خانوارها نمی‌توانند همان سبد کالایی اولیه را تأمین کنند. از این رو دولت ناگزیر است در فواصل زمانی مشخص، ارزش ریالی این حمایت را متناسب با افزایش قیمت کالاهای اساسی اصلاح کند.

آخرین تحرک نظامی امریکا علیه ایران



*عاطفه پیرایش، دانشجوی دکتری فلسفه

درگیری های نظامی هفته ی گذشته در آسیای غربی، با رویدادهای نظامی پیشین تفاوت های قابل توجهی داشت و پرسشهای بسیاری را برانگیخت. هفته ی گذشته، پس از آنکه ترامپ ایران را مسئول سقوط یک بالگرد امریکایی در خلیج فارس دانست، ارتش امریکا عملیات جدیدی را علیه کشورمان آغاز کرد و مناطق متعددی را از جنوب تا مرکز کشور مورد حمله قرار داد. مهم ترین تفاوت این حملات با رویدادهای پیشین این است که ارتش امریکا برای نخستین بار در یک سال گذشته، به تنهایی و بدون همکاری اسرائیل به ایران حمله کرد، در حالی که اسرائیل به حملات خود در لبنان و سوریه ادامه داد.در مقابل، ایران پایگاه های امریکایی و مراکز راداری در بحرین، کویت و اردن را هدف گرفت، اما موشکی از جانب ایران به سوی اسرائیل شلیک نشد.

نکته ی دیگر این است که چند روز پیش از این درگیری شبانه، اسرائیل با شکستن آتش بس به جنوب بیروت حمله کرد که با واکنش سریع ایران همراه بود. در پاسخ به حمله ی موشکی ایران، اسرائیل برخی اهداف نظامی و غیرنظامی را در ایران هدف قرار داد اما امریکا مانع از گسترش درگیریها شد و از اسرائیل خواست دست از حمله به ایران بکشد. با وجود این، چندی بعد خود، ایران را مورد حمله قرار داد.

تا کنون اخبار چندانی در مورد شدت آسیب های وارده بر طرف های درگیری منتشر نشده است. با این حال، در ایران بسیاری از رسانه ها بر این باورند که درگیری های اخیر صرفا یک بازی نمایشی بوده است و ترامپ قصد نداشته با حمله به ایران از میز مذاکرات کنار برود بلکه صرفا این عملیات را تدارک دیده است تا وجهه ی بین المللی خود را حفظ کند و این پیغام را برساند که امریکا در میدان نبرد پیروز شده و شروط خود را بر ایران تحمیل کرده است.

شاهد این مدعا آن است که متن توافق احتمالی نسبت به تفاهم نامه ی پیشنهادی پیشین ایران تغییر چندانی نکرده است. این رویکرد نشان می دهد که به باور طرف ایرانی، درگیری شبانه ی اخیر احتمالا آخرین تحرک نظامی امریکا علیه کشورمان خواهد بود و توافق میان ایران و امریکا انجام خواهد شد.

هر چند ترامپ مدعی شده است که رسانه های ایرانی در مورد متن توافق دروغ می گویند و ایران با نابودی اورانیوم غنی شده ی خود موافقت کرده است، توافق احتمالی پیش رو، دستاورد خاصی برای ایران و امریکا ندارد و گویی دو طرف صرفا توافق می کنند که در آینده توافق کنند، هر چند هر دو طرف به این نکته آگاهند که این احتمال وجود دارد که نتوانند در آینده به توافق برسند. این تفاهم نامه صرفا بر مسئله ی تنگه ی هرمز تمرکز کرده است به طوری که اگر تنگه ی هرمز بسته نبود، اصلا نیازی به این توافق وجود نداشت.

ترامپ چند ساعتی پیش از آنکه از توافق با ایران خبر دهد، مدعی شد که امریکا موفق شده است میلیون ها بشکه نفت را بدون اطلاع ایران از خلیج فارس خارج کند. اگر این ادعا صحت داشته باشد و برگ برنده ی ایران برای توافق بی اثر شده باشد، این پرسش مطرح می شود که امریکا چه نیازی به توافق برای گشودن تنگه دارد. رسانه های ایرانی هنوز این ادعا را تکذیب نکرده اند. کیهان صرفا به این نکته اشاره کرده است که ۱۰۰ میلیون بشکه نفت در مقابل میزان نفتی که در شرایط عادی در مدت زمان ۳ ماهه از تنگه صادر می شود، عدد ناچیزی است.

به نظر می رسد ایران و امریکا پس از امضای این توافق به نقطه ی پیش از آغاز جنگ چهل روزه باز می گردند.

تلفن های تماس با دفتر روزنامه امین
۰۴۱-۳۳۵۲۷۷۴
۰۴۱-۳۳۵۲۷۷۹